

اعمال قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور

مصطفی کرمی پور*

عادل ساریخانی**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲

چکیده

یکی از قواعد مهم در حقوق جزای بین الملل، قاعده‌ی منع محاکمه و مجازات مجدد است که در حقوق ایران رویکردهای متفاوتی نسبت به این قاعده اتخاذ شده است؛ به طوری که شاهد پذیرش آن در قوانین قبل از انقلاب و حذف آن در قوانین بعد از انقلاب تا سال ۱۳۹۲ هستیم. قانون گذار در اقدامی تحسین برانگیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به طور صریح نسبت به پذیرش این قاعده در ردیف جرایم تعزیری، که تشکیل دهنده‌ی بخش عمده فهرست جرایم در حقوق کیفری ایران به شمار می‌آید، اقدام کرد. با توجه به تفکیک تعزیرات به تعزیرات منصوص و غیرمنصوص شرعی، نکته‌ی حایز اهمیت، اعمال این قاعده در مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی است. این نوشتار علاوه بر تشریح این موضوع، به بررسی اجرای مجازات‌های شرعی نسبت به مرتکب ایرانی در خارج از کشور با رعایت کلیه ضوابط شرعی و رسیدگی مجدد پس از بازگشت به ایران، پرداخته است.

کلید واژگان:

منع محاکمه‌ی مجدد، مجازات‌های شرعی، حدود، قصاص، تعزیرات منصوص شرعی

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

mmkpour@yahoo.com

** دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

adelsari@yahoo.com

مقدمه

قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف، یکی از قواعد پذیرفته شده حقوق بشری در حقوق داخلی کشورها و حقوق بین الملل است که در اسناد بین المللی و منطقه‌ای متعدد منعکس شده است. به موجب این قاعده، یک دادگاه نمی‌تواند فردی را برای جرمی محاکمه کند که قبلاً در همان کشور یا در کشور دیگر یا در یک دادگاه بین المللی مورد رسیدگی کیفری قرار گرفته است و فرد به‌خاطر آن قبلاً محاکمه یا تبرئه شده است.^۱ و به تعبیر وابر: «این فرد دین خود را به جامعه پرداخته است و بازخواست مجدد وی به علت همان عمل، نقض عدالت به‌شمار می‌آید».^۲ این که یک شخص به‌خاطر ارتکاب یک جرم نباید دو بار محاکمه و مجازات شود، سابقه دیرینه دارد و رد پای آن را می‌توان در حقوق اسلام، آیین یهود و حقوق باستان مثل حقوق یونان و رم یافت.^۳ این قاعده بر مبنای مهمی همچون آزادی فردی، حمایت از افراد در برابر سوء استفاده قدرت دولت‌ها، حمایت از حقوق بشر، اصل عدالت، اصل تناسب، اعتبار امر مختوم، نظم و آرامش جامعه و انصاف استوار است.^۴ و محاکمه مجدد، به‌خودی‌خود و صرف نظر از نتایج آن مخالف قانون و ممنوع است.^۵

واژه *bis in idem* در اصطلاح لاتین *ne bis in idem*، به معنای جلوگیری از مجازات و محاکمه مجدد است.^۶ هرچند قاعده منع مجازات مضاعف در آغاز کارکرد حقوق بشری نداشت،^۷ ولی امروزه بیش از آن که وجهه حقوق کیفری داشته باشد، وجهه حقوق بشری دارد، به نحوی که در تعداد زیادی از اسناد حقوق بشری بین المللی انعکاس یافته و در زمره حقوق بنیادین افراد قرار گرفته است.^۸ با این که تقریباً تمام کشورها اعمال این قاعده را در قلمرو قضایی ملی به رسمیت می‌شناسند، ولی اعمال آن در قلمرو قضایی فراملی همواره مورد اختلاف بوده و تاکنون به‌عنوان

۱. کسسه، ۱۳۸۷: ۴۰۳

۲. وابر، ۱۳۶۸: ۸۷

3. Conway, 2003; 351,383

۴. حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۷

5. mezei, in bado, 2014; 201

6. De la cuesta, 2015; 416

7. Jun, changzong and yaoshui. 2002; 856

8. Cryer et al, 2010; 80

یک قاعده عرفی یا یک اصل کلی حقوقی پذیرفته نشده است. با این حال، در سطح بین‌المللی رویه‌ای در حال شکل‌گیری است تا قلمرو این قانون را به نظام قضایی فراملی نیز گسترش دهد^۱ و با وجود ممنوعیت بدون قید و شرط محاکمه مجدد در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶^۲، کشورها از قبول مطلق آن در قوانین کیفری خود، خودداری کرده‌اند. در واقع دولت‌ها، پذیرش مطلق این قاعده را خطری برای منافع حاکمیتی خود می‌دانند. به خصوص که هر وقت پای منافع حاکمیت در میان باشد، اعتماد به دستگاه عدالت کیفری کشور، دیگر چندان درست نیست. بر همین اساس کشورهای مختلف اصولاً قاعده منع محاکمه مجدد را در مورد اصول صلاحیت سرزمینی و واقعی نپذیرفته‌اند.^۳

قاعده منع مجازات مضاعف در حقوق کیفری ایران، همواره با فرازونشیب‌هایی مواجه بوده است و در قبل و بعد از انقلاب، رویکرد یکسانی نسبت به این قاعده دیده نمی‌شود، به طوری که قانونگذار در قوانین قبل از انقلاب، در بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، این قاعده را به صراحت پذیرفته بود، ولی پس از انقلاب به دلیل معتبر نبودن احکام خارجی و مغایرت آن با احکام شرعی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ حذف شد؛ سپس در قانون مصوب سال ۱۳۹۲ مجدداً احیا شد و در تعزیرات غیرمنصوص شرعی پذیرفته شد. سوالاتی که در ابتدای امر به ذهن حقوقدانان‌ها خطور می‌کند این است که آیا قاعده منع محاکمه مجدد را می‌توان در مورد جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی پذیرفت؟ و اعمال آن نسبت به ایرانیان غیرمسلمان چگونه خواهد بود؟ اگر یک ایرانی مسلمان به سبب ارتکاب جرایم شرعی در خارج از کشور، در یکی از کشورهای اسلامی مجازات شود، آیا پس از بازگشت به ایران، مجدداً مجازات می‌شود یا خیر؟ و اگر در یک کشور غیراسلامی مجازات شود، مجازات دوباره او ممکن است یا خیر؟ اگر ایرانی غیرمسلمان در خارج از کشور مرتکب جرایم شرعی شود، آیا در ایران قابل تعقیب و مجازات است یا خیر؟ هدف این پژوهش، پاسخ‌گویی به سوالات طرح‌شده و اعمال قاعده مذکور نسبت به جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور با توجه به عقیده و مذهب است؛ اما از آنجایی که افراد

1. cryer et al, op. cit; 81

۲. بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی‌توان به دلیل ارتکاب جرمی که برای آن قبلاً به موجب حکم قطعی صادر شده بر طبق قانون و آیین دادرسی هر کشوری تبرئه یا محکوم شده است، تعقیب و یا مجازات نمود.»

۳. پوربافرانی و بیگی حسن، ۱۳۹۲: ۷۷

با عقاید مختلف در ایران سکونت دارند، در ابتدا ساکنین کشور ایران بر اساس مذهب بیان می‌شود؛ سپس به بررسی جرایم ارتكابی می‌پردازیم.

در یک تقسیم‌بندی، ساکنین کشور اسلامی ایران به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱. مسلمانان یعنی مجموعه کسانی که به اسلام ایمان دارند و به شیعه اثنی‌عشری (دوازده امامی) معروف هستند.

۲. ذمی‌ها که عبارت‌اند از غیرمسلمانانی که صرف‌نظر از اعتقادات دینی خود، به احکام اسلام ملتزم هستند و در کشور ایران اقامت دائم دارند که ممکن است یهودی، مسیحی، زرتشتی و غیره باشند.

۳. کافران مستامن و معاهد که غالباً ایرانی نیستند و تحت عنوان توریست و سفیر و غیره، با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور می‌شوند.

لازم است قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به هر یک از این گروه‌ها به‌طور جداگانه بررسی شود، اما از آنجایی که دسته سوم غالباً ایرانی نیستند، ضرورتی به بیان و بررسی آن نیست و در این نوشتار تنها به بررسی دو گروه اول می‌پردازیم.

۱. جرایم ارتكابی مسلمانان در خارج از کشور

بر اساس آیه ۱۵۸ سوره اعراف که بیان نموده «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً؛ ای رسول ما به خلق بگو که من بدون استثناء برای همه شما، جنس بشر، رسول خدایم»، اسلام، دینی است جهانی، هرچند که تعدادی از مردم جهان، مسلمان نباشند یا کل دنیا، دنیای اسلام تلقی نشود، اما یک فرد مسلمان در هر سرزمینی که باشد تحت لوای اسلام و ملتزم به رعایت احکام الهی است. از طرفی وجوب و حرمت احکام الهی ذاتی است، مهاجرت یک مسلمان از دارالاسلام به دارالکفر تغییری در ماهیت احکام الهی ایجاد نمی‌کند، چرا که حلال محمد، حلال الی یوم‌القیامه و حرام محمد، حرام الی یوم‌القیامه است که این حلال و حرام مقید به مکان خاصی نیست و حدود اسلامی هم تعطیل یا تاخیربردار نیست. از دیدگاه فقه امامیه، هر مسلمان در هر نقطه از جهان همواره مشمول قوانین اسلامی است.^۱ از طرفی احکام اسلامی ناظر به همه

۱. قیاسی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۶۰.

مسلمانان است و در ابتدا هیچ فرقی بین مسلمان ایرانی، افغانی و عراقی وجود ندارد و هر مسلمان، صرف نظر از سکونت در هر کشور، تابع احکام اسلامی است؛ اما باتوجه به مرزبندی جغرافیایی و اصل سرزمینی بودن، تنها احکام مسلمانان ساکن در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس تقسیم‌بندی مجازات‌ها به حد، قصاص، دیه و تعزیر در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، هر یک را به طور جداگانه بررسی می‌کنیم. علت تفکیک این امر به این معناست که اعمال کیفر در جرایم حدود بر هر مسلمانی واجب است و کیفرهای ناظر به جرایم قصاص و دیه از زمره جرایم حق الناسی است و مادامی که مجنی علیه یا ولی دم او گذشت نکرده باشد، باید اجرا شود و همچنین لازم است بین تعزیرات منصوص شرعی و حکومتی تفکیک قائل شویم.

۲. ارتکاب جرم حدی در خارج از کشور

ارتکاب جرم حدی با توجه به نوع و ماهیت و مجازات آن، به حالت‌های مختلف تقسیم می‌شود. در این نوشتار، هر یک به طور مجزا، مورد بررسی قرار می‌گیرد و احکام خاص آن بیان می‌شود.

۱. موضوع برخی از جرایم حدی با خروج از کشور اسلامی و وارد شدن به دارالکفر، از بین می‌رود و به تبع از بین رفتن موضوع، حکم آن نیز از بین می‌رود، مانند محاربه و بغی. ممکن نیست بگویند کسی در کشور فرانسه، آلمان، اسرائیل مرتکب جرم محاربه و بغی شده است، زیرا در بغی، اسلامی بودن حکومت شرط است.^۱ در محاربه نیز، ترساندن مسلمین شرط است.^۲ البته برخی از فقها معتقدند در صورت ارتکاب محاربه در کشورهای غیراسلامی، مرتکب، مستحق مجازات این جرم است، زیرا در تعریف محاربه قید «لاخافه الناس» شرط است نه «لاخافه المسلمین».^۳

اگر نظر فقهایی را بپذیریم که قائل بر این‌اند که در بغی، اسلامی بودن حکومت و در محاربه، ترساندن مسلمین شرط است، امکان تحقق جرم محاربه و بغی در دارالکفر وجود ندارد، اما اگر نظر فقهایی را بپذیریم که معتقدند امکان تحقق جرم محاربه در دارالکفر وجود دارد، در این صورت، مرتکب به مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌شود، ولی با جستجو در کتاب‌های

۱. طوسی، بی تا: ۲۹۶.

۲. فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۳۴؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳ ج ۱۰: ۳۵۱؛ طباطبایی، ۱۴۲۲ ج ۱۳: ۶۱۴؛ مفید، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۵۸.

۳. طوسی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۴۵۷؛ قاضی ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۵۳؛ حلی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۵۲.

فقهی، قول مشهور این است که در محاربه، ترساندن مسلمین و در بغی، اسلامی بودن حکومت شرط است.^۱

۲. برخی از جرایم حدی در دارالکفر، علی‌رغم جرم بودن، تغییر ماهیت می‌دهد و از جرم حدی به تعزیری تبدیل می‌شود، مثل سرقت حدی. شیخ طوسی و محقق حلی در مورد مسلمانی که با اخذ امان وارد دارالحرب شده و مرتکب سرقت شود، معتقدند که باید مال مسروقه به صاحبش برگردانده شود، اما سخنی از اجرای حد به میان نیاورده‌اند.^۲ همچنین در جرم قذف، مسلمان بودن مقذوف شرط است و قذف غیرمسلمان اعم از این که در داخل کشور یا خارج از کشور باشد، حد ندارد، مثلاً مسلمان به یک آلمانی بگوید شما زناکار هستی. در تحریرالوسیله در این زمینه آمده است، قذف غیرمسلمان موجب تعزیر می‌شود.^۳ ماده ۲۵۱ ق.م.ا در شرایط ثبوت حد قذف، چنین مقرر می‌دارد: «قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف‌شونده در هنگام قذف، بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا و لواط باشد». بنابراین اگر کسی غیرمسلمانی را قذف نماید، تعزیر می‌شود.

۳. برخی از جرایم در دارالکفر، قید تشدید را از دست می‌دهد، مانند زنا یا عنف یا محصنه که در کشورهای اسلامی، مجازات اعدام و در دارالکفر، مجازات حبس دارد. در این حالت اگر شخص به دلیل ارتکاب جرایم مذکور در خارج از کشور حبس را تحمل نموده باشد، پس از بازگشت به ایران، با رعایت شرایط مقرر شرعی در اثبات و اجرای حدود الهی و عدم جریان قاعده درء، امکان مجازات مجدد مجرم در کشور وجود دارد، زیرا این مجازات‌ها شرعی است و از سوی حکومت تعیین نشده تا حکومت بتواند اجرای آنها را متوقف کند یا در خصوص اجرای آنها به عدم محاکمه قبلی ملتزم شود؛ حتی ممکن است مشابه این حالت در کشور ایران نیز رخ دهد و چه بسا مجرم از زمان وقوع جرم تا اجرای حکم مدت‌ها در حبس باشد، که این مسئله تأثیری در مجازات شرعی ندارد و دادگاه برخلاف جرایم تعزیری، بدون احتساب ایام بازداشت قبلی، حکم به مجازات وی می‌دهد،

۱. طباطبایی حکیم، ۱۴۲۰: ۲۳۹.

۲. حلی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۴۵.

۳. موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۰۷.

مثلاً اگر شخصی به دلیل ارتكاب زنا یا شرب خمر مدت‌ها در حبس باشد، ایام بازداشت قبلی، سبب تقلیل یا تخفیف مقدار شلاق نمی‌شود.

۴. در برخی از جرایم، مسلمان یا کافر بودن مرتکب، تاثیری در مجازات ندارد و نفس عمل استحقاق عقوبت و مجازات را دارد، مانند جرایم جنسی؛ یا در برخی از جرایم، اصولاً مجنی علیه وجود ندارد، مانند شرب خمر که این جرایم در اصطلاح جرم‌شناسی، به جرایم بدون بزه‌دیده شهرت یافته‌اند.^۱ ارتكاب چنین جرایمی از سوی مسلمان، هرچند خارج از دارالاسلام، موجب ثبوت حد بر وی خواهد بود.^۲ زیرا آیات و روایاتی که دال بر حرمت زنا و شرب خمر است، بر این امر تاکید دارند و رعایت احکام اسلامی به مکان خاصی مقید نیست و مسلمانان در هر مکانی که باشند ملتزم به رعایت احکام اسلامی هستند و عموم ولایت امام علیه‌السلام یا ولی فقیه بر مسلمین مقتضی است که مسلمین در هر مکانی که باشند، چه در دارالاسلام و چه در دارالکفر، محکوم به احکام اسلامی هستند و بنابراین هرگاه مسلمانی در کشور کافر، زنا کند و سپس به وطن اسلامی بازگردد و در محکمه قضای اسلامی طبق شرایط مقرر، اقرار کند یا بینه‌ای به آن گواهی دهد، حد بر او جاری خواهد شد.^۳

در اثبات این مطلب می‌توان از اصل استصحاب نیز بهره جست؛ با این توضیح که وقتی کسی عملی مستوجب حد مرتکب شود، مستحق عقاب است، حال اگر شک حاصل شود که در خارج از کشور یا دارالکفر مرتکب جرم حدی شده است، آیا همچنان مستحق عقاب است یا خیر؟ می‌توان با اصل استصحاب اثبات کرد که به دلیل ارتكاب جرم حدی، همچنان مستحق عقاب است، از طرفی برخورد دوگانه دستگاه قضایی با مرتکبین، موجب تزلزل جرایم حدی و تجری مرتکبین این‌گونه جرایم می‌شود که نتیجه‌ای جز واکنش منفی و مورد تمسخر قرار گرفتن احکام اسلامی نخواهد داشت؛ اگر مسلمانی در داخل کشور عمل حدی انجام دهد، مستحق عقاب است، ولی ارتكاب همان عمل در خارج از کشور مجازات ندارد و همچنین مخاطب آیه «الزانیه والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده» (نور: آیه ۲) نسبت به عموم مسلمین است، بدون این که مقید

۱. رهامی، ۱۳۸۹: ۵۸.

۲. قیاسی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۶۱.

۳. فیض، ۱۳۷۵: ۱۱۵.

به زمان یا مکان خاصی باشد و در آموزه‌های دینی نیز به اجرای حدود و تعزیرات به‌ویژه در حکومت اسلامی تاکید زیادی شده است. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی والا، مقدس و دارای روحی مجرد است که استعداد رشد به سوی کمال تا رسیدن به قله سعادت و خوشبختی در او به ودیعه گذاشته شده است که برای نیل به این مقصود، خداوند قوانین و احکامی وضع نموده که این احکام را به‌وسیله پیامبران به مردم ابلاغ کرده است، ولی برخی از مردم از قوانین و احکام اسلامی تخلف نموده و مرتکب جرم می‌شوند که ارتکاب جرم به‌ویژه جرایم حدی، اعم از این که در داخل یا خارج از کشور باشد، مانع رشد و کمال اشخاص و جامعه می‌شود که اسلام برای مبارزه با موانع رشد و سعادت انسان، مسئله اجرای حدود را لازم شمرده و نسبت به آن اهتمام ورزیده است. از طرفی، عدم اجرای مجازات حد نسبت به مرتکبین در خارج از کشور، به‌منزله تعطیل کردن جرایم حدی است و نوعی مبارزه و ستیز با قوانین الهی است که طبق روایتی، خداوند متعال به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «یا محمد من عطل حدا من حدودی فقد عاندنی و طلب بذلک مضادتی؛ ای محمد، هر کس از اجرای حدود جلوگیری کند و آن را تعطیل نماید، با من به مبارزه برخاسته است و حکم مخالفت با من را دارد.»^۱ البته ناگفته پیداست اجرای مجازات حدی مخصوص مجرمینی است که راهی برای اصلاح آن‌ها غیر از عقوبت وجود ندارد و نیز شبهه‌ای در وقوع جرم یا اثبات آن نباشد.

۵. برخی دیگر از جرایم حدی ممکن است در خارج و دارالکفر جرم نباشد یا در صورت جرم‌انگاری، مجازات خفیف‌تری داشته باشد، مانند سب‌النبی و سب ائمه علیهم‌السلام. بر اساس فقه امامیه، دشنام‌دهنده به پیامبر اکرم (ص) و ائمه علیهم‌السلام کشته می‌شود؛ اعم از این که مسلمان باشد یا کافر.^۲ صاحب جواهر این حکم را اجماعی دانسته است.^۳ در نتیجه کسی که در دارالکفر، پیامبر (ص) و ائمه (ع) را سب نماید، در صورتی که این فرد در ایران دیده شود یا به کشور برگردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود. ماده ۲۶۲ ق.م.ا در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه

۱. حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۳۶

۲. ابن براج، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۵۱

۳. نجفی، ۱۳۶۹، ج ۴۱: ۴۳۱

و آله و سلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، ساب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود».

نکته‌ای که در پایان، پرداختن به آن خالی از لطف نیست، این است اگر کسی در یکی از کشورهای اسلامی مانند عراق، افغانستان و غیره، مرتکب جرم حدی شود و مجازات وی با تمام شرایط مقرر در اسلام اجرا شود، آیا پس از بازگشت به ایران، دوباره مجازات می‌شود یا خیر؟ تامل در بند ب ماده ۷ ق.م.ا بیانگر آن است که قانون‌گذار در صلاحیت شخصی، قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد را با رعایت شرایطی، فقط در حوزه تعزیرات پذیرفته است و سکوت قانون‌گذار نسبت به حدود و قصاص، با این که در مقام بیان قاعده کلی اصل صلاحیت شخصی بوده است، این ایده را القاء می‌کند که گویا مقنن حدود و قصاص اعمال شده در خارج راه شرعی و موجب اسقاط تکلیف حکومت در قبال آن، نمی‌داند. درحالی که بسیار بعید است که مقنن بخواهد و یا بتواند به صورت مطلق در خصوص حدود و قصاص، قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد را نادیده بگیرد. براین اساس اگر حدود و قصاص الهی نسبت به مرتکب ایرانی با رعایت کلیه ضوابط شرعی، در یک کشور اسلامی دیگر اعمال شده باشد، قابل قبول نخواهد بود که مرتکب به خاطر همان جرم، مجدداً در ایران تعقیب شود، بنابراین شایسته است تبصره دیگری به شرح ذیل، به ماده ۷ ق.م.ا افزوده می‌شود: آن دسته از ایرانیانی که در خارج از کشور مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شوند و در ایران یافت شده یا به ایران مسترد گردند، مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران تعقیب و مجازات می‌شوند، مگر آن که با رعایت کلیه شرایط شرعی، در یک کشور اسلامی تعقیب شده و مجازات شرعی درباره آن‌ها اعمال شده باشد.^۱ در تایید این مطلب به پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی به استفتایی که مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه از مراجع تقلید معاصر داشته است، استناد می‌کنیم: آیا دولت اسلامی می‌تواند احکام صادره از سوی دستگاه قضایی دولت غیراسلامی را اجرا کند؟

آیت‌الله مکارم شیرازی: حکم در صورتی اعتبار دارد که به وسیله یک حاکم اسلامی صادر شده باشد و تمام مجازات‌ها و احکام صادره در حق همه مجرمین مطابق آنچه در کتاب حدود، قصاص و دیات آمده، اجرا شود.

۱. توجهی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹

یا اگر حد در سرزمین دشمن بر کسی جاری شود، چه باید کرد؟ آیا پس از آن، اجرای حد باید در سرزمین اسلام تکرار شود یا به همان حد اجرا شده اکتفا می‌شود؟ این امر بستگی به مطلوب شارع دارد که اگر واحد باشد، حد باید دوباره تکرار شود و اگر متعدد باشد نیازی به تکرار نیست. بدین توضیح، اگر مقصود شارع این باشد که «حد در سرزمین غیردشمن بر محکوم به حد جاری شود» در این صورت و در فرض اجرای حد در سرزمین دشمن، چون این مطلوب و مقصود شارع حاصل نشده، حد باید دوباره تکرار شود، ولی اگر مطلوب شارع دو چیز باشد، یکی اجرای حد و دیگری اجرای حد در سرزمین غیردشمن، در این صورت چون مطلوب اول شارع حاصل شده، نیازی به تکرار اجرای حد در سرزمین غیردشمن نیست. به نظر می‌رسد مطلوب شارع متعدد است و به همان حد اجرا شده در سرزمین دشمن باید اکتفا شود. گرچه می‌توان مجری حد را به علت ارتکاب فعل حرام، تعزیر کرد.^۱

۳. ارتکاب جرایم مستوجب قصاص و دیه در خارج از کشور

ارتکاب قتل در خارج از کشور توسط یک فرد ایرانی مسلمان، حالت‌های مختلفی دارد که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم:

۱. مقتول، ایرانی مسلمان باشد: در صورت عمدی بودن قتل، حکم اولی، قصاص است و اولیاء دم می‌توانند قاتل را قصاص نموده و یا از قصاص وی صرف‌نظر کنند و با رضایت، از قاتل دیه بگیرند یا با وی مصالحه و نسبت به او گذشت نمایند. صاحب جواهر در این زمینه معتقد است: هرگاه مسلمانی، مسلمانی را، با علم به این که مقتول، مسلمان بوده، در دارال‌حرب عمداً و بدون ضرورت بکشد، قصاص بر قاتل واجب است و اگر به خطا کشته باشد، به جهت اطلاق ادله‌ای که در این زمینه وارد شده، دیه و کفاره بر قاتل واجب است؛ اعم از آن که در دارال‌حرب مسلمان شده و به کشور اسلامی برگشته یا به کشور اسلامی مهاجرت کرده، اما به خاطر نیازی یا غیر آن به دارال‌حرب رفته باشد.^۲ اگر مقتول ایرانی غیرمسلمان باشد، در این صورت قصاص، ساقط است، به دلیل این که یکی از شرایط قصاص

۱. حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۶۰

۲. نجفی، ۱۳۶۹، ج ۴۱: ۴۱؛ حلی، ۱۴۱۹، ج ۲۵: ۶۳۶

تساوی در دین است و به استناد قاعده «لایقادی مسلم بکافر» قصاص منتفی است و دیه و تعزیر ثابت می‌شود و براساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌شود که این امر در ماده ۵۵۴ ق.م.ا مقرر شده است. اگرچه شیخ صدوق در مقنع معتقد است، اگر مقتول کافر ذمی باشد، با رد مازاد دیه می‌تواند استیفاء قصاص نماید.^۱ اما رأی مشهور فقهای اسلامی، نفی قصاص از مسلمان در برابر قتل کافر است، مگر این که مسلمان به کشتن کفار عادت کرده باشد که در این صورت پس از رد مازاد دیه، قصاص ثابت می‌شود.^۲ مقتول، ایرانی مسلمان باشد، اما قاتل در هویت وی دچار اشتباه شده و به اعتقاد مهدورالدم بودن او، دست به جنایت زده است. در این صورت قصاص، ساقط و پرداخت دیه و تعزیر لازم می‌شود. ماده ۳۰۳ ق.م.ا. در این زمینه مقرر می‌دارد: «... ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد، مرتکب، علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود».

البته صاحب جواهر معتقد است در این صورت نه قصاص دارد و نه دیه، فقط کفاره بر او واجب است.^۳ برخلاف وی، ابن ادریس پرداخت دیه را به دلیل هدر رفتن خون مسلمان و اطلاق ادله‌ای که بر ثبوت دیه وجود دارد و همچنین به جهت اجماع اصحاب بر این مطلب، واجب دانسته است.^۴ مقتول، غیرمسلمان غیرایرانی باشد؛ در این صورت قصاص، ساقط و پرداخت دیه و تعزیر واجب می‌شود، زیرا در وضعیت کنونی اکثر کشورهای جهان به دلیل داشتن رابطه سیاسی، نظامی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران و پذیرش مجرمیت متقابل و استرداد مجرمان و داشتن روابط صلح آمیز، دارالمعاهدین محسوب می‌شوند و در نتیجه پرداخت دیه بر قاتل واجب می‌شود.

۱. صدوق، ۱۴۱۰: ۱۹۱.

۲. ابن محمد الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۱۳: ۳۸۹؛ عاملی (شهیداول)، ۱۳۶۹، ج ۴: ۳۴۵؛ حلی، ۱۳۶۸: ۱۹۵؛ حلی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۶.

۳. نجفی، ۱۳۶۹، ج ۴۱: ۴۰۹.

۴. حلی، ۱۴۱۰، ج ۲۳۳: ۲۳۳.

۴. مقتول، با عناد از سرزمین اسلامی خارج شود و به بلاد کفر ملحق شود، مثلاً به کشور اسرائیل و آمریکا پناهنده شود؛ برخی قائل به این هستند که در این صورت احکام قصاص و دیات بر چنین شخصی جاری نمی‌شود، زیرا حرمت خون خود را از دست داده و مشمول صلاحیت شخصی نمی‌شود. سرخسی از علمای اهل سنت معتقد است چرا که او خود خطر را پذیرفته و با ترک سرزمین اسلامی، خود را در معرض خطر قرار داده است، به عبارت دیگر خود را از حمایت، سلطه و حاکمیت قوانین اسلامی خارج کرده است.^۱ هر چند سرخسی معتقد است که اگر شخصی با عناد از دارالاسلام خارج و به بلاد کفر ملحق شود، مهدورالدم شناخته می‌شود، اما در حال حاضر با توجه به گسترش تکنولوژی و روابط بین‌المللی و سهولت در نقل و انتقال، نمی‌توان در جامعه امروزی پذیرفت که شخص با سفر به آمریکا یا اسرائیل خود را مهدورالدم ساخته است. این نظر علاوه بر غیرقانونی و غیرعقلانی بودن و نشان دادن چهره منفی و خشن از اسلام، با دیدگاه‌های حقوق بشری نیز در تضاد است، به ویژه این که چنین شخصی اگر با اخذ ویزا و پاسپورت از کشور خود مهاجرت نموده باشد، سزاور نیست که قائل بر سقوط دیه وی باشیم، در نتیجه در صورت ارتکاب قتل علیه چنین شخصی، پرداخت دیه بر قاتل واجب می‌شود.

در رابطه با مباحث مطرح شده، نظر تعدادی از آیات عظام معاصر که در پی طرح چند پرونده در دادگستری جمهوری اسلامی ایران که در آنها پس از محاکمه و مجازات قاتل در خارج از کشور و بازگشت مجرم تبعه ایرانی به ایران، اولیای دم از محاکم ایران تقاضای رسیدگی مجدد کرده بودند، که به تبع آن مرکز تحقیقات قوه قضاییه به استفتای برخی از فقهای معاصر اقدام کرد، می‌پردازیم:

سؤال: در صورتی که افراد در خارج از کشور ایران مرتکب جرایمی شده و طبق قوانین آن کشورها تعقیب و محاکمه شوند و کیفر مقرر برای جرم مورد نظر را گذرانده باشند، سپس به ایران برگردند، بفرمایید در جرایم مستوجب قصاص در صورت درخواست اولیای دم، آیا قابل تعقیب و مجازات هستند یا خیر؟

۱. حمیداله، ۱۳۷۳: ۲۲۱

پاسخ: آیت‌الله مکارم شیرازی: در مواردی که قصاص تعلق می‌گیرد اگر شاکی تقاضا کند، حکم قصاص جاری می‌شود.

آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره): به‌طور کلی، حکم آنها (محکمه خارجی) اعتبار ندارد.

آیت‌الله نوری همدانی و صافی گلپایگانی: بلی قابل تعقیب و مجازات هستند.

آیت‌الله موسوی اردبیلی (ره): در جرایم مستوجب قصاص و حد می‌توانند به محاکم صالحه مراجعه نمایند و قابل تعقیب هستند.

آیت‌الله بهجت (ره): قصاص از آن شخص رفع نمی‌شود، مگر شرایط را داشته باشند.

آنچه از فتوای آیت‌الله بهجت استنباط می‌شود این است که مسئله را دارای دو فرض تفکیک‌پذیر می‌دانست؛ فرض اول این است که قاضی صادرکننده رأی، دارای شرایط شرعی لازم باشد که در این فرض به اعتقاد ایشان طرح مجدد و رسیدگی آن در محاکم ایران جایز نخواهد بود، مانند این که به جرم واقع شده در یکی از کشورهای اسلامی با رعایت شرایط شرعی رسیدگی و حکم لازم را صادر کرده باشند.

فرض دوم این است که قاضی یا رأی صادره فاقد برخی شرایط شرعی باشد که در این صورت رسیدگی مجدد در محاکم ایران جایز خواهد بود.

ممکن است این سوال به ذهن آید، اگر در خصوص قتل واقع شده در خارج، اولیاء دم در دادگاه‌های خارجی از حق قصاص گذشت کنند یا با قاتل مصالحه کرده باشند، آیا پس از بازگشت به ایران، می‌توانند مجدداً تقاضای پیگیری پرونده و قصاص قاتل را داشته باشند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت مراجعه ولی دم به دادگاه‌های خارجی و گذشت از قصاص یا اخذ دیه و غرامت به منزله رضایت آنها به اعمال قانون آن کشور در مورد مجرم است که با این اقدام حکم دادگاه آن کشور را بر دعوای خود پذیرفته و در عمل از حق شکایت در دادگاه‌های کشور ایران صرف‌نظر کرده است، زیرا که گذشت یا مصالحه، پیش از صدور حکم یا پس از آن موجب سقوط حق قصاص است و صاحبان حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌توانند به طور مجانی یا مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کنند، بنابراین در این صورت اولیاء دم حق طرح مجدد دعوا در دادگاه‌های کشور ایران نخواهد داشت، مانند این که در قتل عمد، پس از تحقق آن، قاتل را عفو کرده یا با وی مصالحه کنند یا در قتل غیرعمد، پس از اخذ دیه

گذشت کنند، دیگر حق قصاص یا مطالبه دیه برای آنها باقی نمی‌ماند که در این مورد به نظریات دو تن از فقهای معاصر اشاره می‌کنیم. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است اگر شاکی به جای قصاص، خسارتی گرفته و راضی شده، حکم قصاص ساقط است و اگر راضی نشده، وجه خسارت را باز می‌گرداند و وتقاضای قصاص می‌کند.

آیت‌الله فاضل لنکرانی (ره) فرمودند: در جرایم قصاص و سایر حقوق الناس اگر بعد از صدور حکم با صاحبان حق، مصالحه‌ای بر آن صورت گرفته باشد، اولیاء دم نمی‌توانند پیگیری کنند؛ اما اگر مصالحه‌ای صورت نگرفته باشد، قابل پیگیری است.^۱

بنابراین در قصاص و دیات قاعده کلی جاری می‌شود، یعنی همان احکامی که در داخل ایران جاری است، به ارتکاب قتل در خارج نیز اعمال می‌شود و موضوع اعتبار امر مختوم برابر ماده ۷ ق.م.ا، در قصاص و دیات منتفی است و مرتکب در هر صورت باید در ایران محاکمه و مجازات شود. اما اگر در یک کشور اسلامی دیگر حدود و قصاص الهی نسبت به مرتکب ایرانی با کلیه ضوابط شرعی، اعمال شده باشد، قابل قبول نخواهد بود که مرتکب به خاطر همان جرم مجدداً در ایران تعقیب شود.^۲

۴. ارتکاب جرم تعزیری در خارج از کشور

عرف حاکم بر تعزیرات این است که عمل در هر دو کشور جرم باشد و این امر از صدر ماده ۷ ق.م.ا که مقرر داشته: «هر یک از اتباع ایران در خارج از ایران مرتکب جرمی شود» و بند الف ماده ۷ که مقرر داشته: «رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد»، برداشت می‌شود.^۳ اما برخی از جرایم وجود دارد که در کشور ایران جرم تلقی می‌شود، ولی در اکثر کشورهای خارجی جرم نیستند، مانند بی‌حجابی، رباخواری، روزه‌خواری و تقییل نامحرم که در اکثر کشورهای خارجی بوسیدن نامحرم متعارف و این عمل به منزله احوال‌پرسی است، حتی ترک آن ممکن است به منزله بی‌احترامی و توهین به افراد تلقی شود. حال اگر کسی در کشور فرانسه یا آلمان روزه‌خواری، بی‌حجابی و غیره داشت و سپس به ایران بازگشت، آیا محاکمه و

۱. مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹.

۲. توجهی، ۱۳۹۴: ۱۶.

۳. شمس ناتری، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۵.

مجازات می‌شود؟ همچنین برخی از جرایم هستند که در خارج جرم هستند، ولی در ایران جرم نیست، مانند معاونت در خودکشی و تعدد زوجات که بر اساس قانون کشور فرانسه و انگلستان جرم است. برای پاسخ به این سوال‌ها و اعمال قاعده منع مجازات مضاعف در جرایم تعزیری، باید بین تعزیرات منصوص و غیرمنصوص شرعی تفکیک قایل شویم.

۴.۱. تعزیرات غیرمنصوص شرعی

منظور از این عبارت، تعزیر حکومتی است که عبارت‌اند از: عقوبانی که حکومت، به منظور حفظ نظم و مراعات مصالح اجتماعی، در قبال تخلف از مقررات حکومتی تعیین می‌کند.^۱ که تعزیر در ماده ۱۸ ق.م.ا به این صورت تعریف شده است: «تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد».

به صراحت بند ب ماده ۷ ق.م.ا قاعده منع مجازات مضاعف در جرایم تعزیر با شرایطی پذیرفته شده است و منظور از جرایم تعزیری، بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا، تعزیرات غیرمنصوص، شرعی است، بنابراین اگر جرم ارتكابی در خارج از جرایم تعزیرات حکومتی و علیه نظم و امنیت باشد، مانند سرقت تعزیری، جعل و استفاده از سند مجعول و قلب سکه، در صورت تحمل مجازات کلاً یا بعضاً، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی مجدد را نخواهند داشت، به تعبیر دیگر قاعده منع مجازات مضاعف اعمال می‌شود، که به این امر در ماده ۳۶ کنوانسیون سال ۱۹۷۲ اشاره شده و چنین مقرر نموده: «چنانچه تعقیب مجددی علیه شخصی که در یکی از دولت‌های متعاقد برای همان اعمال محاکمه شده، صورت پذیرد کل مدت حبسی که در اجرای حکم صادره تحمل شده باشد، باید از مجازات سالب آزادی که احتمالاً ممکن است در دولت دوم مورد حکم قرار گیرد، کسر شود».^۲

مراجع عظام تقلید از جمله مرحوم آیت‌الله بهجت (ره) و آیت‌الله صافی در پاسخ به این سوال که آیا در صورتی که افرادی در خارج از کشور مرتکب جرایمی (از نوع تعزیری یا بازدارنده) شده و طبق قوانین آن کشورها تعقیب و محاکمه شده‌اند و کیفر مقرر برای جرم مورد نظر را گذرانده و

۱. انصاری، ۱۳۸۶: ۹۳

۲. پرادل و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۱

سپس به ایران مراجعت کرده‌اند، بفرمایید آیا قابل تعقیب و مجازات هستند یا خیر؟ فرموده‌اند بستگی به نظر حاکم و قاضی جامع‌الشرايط دارد.^۱

اما اگر فعل انجام‌یافته فقط در خارج از کشور جرم باشد، مانند تعدد زوجات، در این صورت علی‌رغم این که در کشور خارج محاکمه و مجازات نشده باشد، بنا به تصریح بند الف ماده ۷ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد»، دلیلی برای تعقیب و محاکمه وی در ایران وجود ندارد؛ علاوه بر آن، ماده ۲ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود». منظور قانون مجازات اسلامی ایران است و بنا بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات، تنها اعمالی که در قانون جزایی ایران برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. همچنین در خصوص آن دسته از تعزیرات حکومتی که بر اساس قانون جمهوری اسلامی ایران و محل وقوع، جرم است، مصلحت عمومی اقتضا می‌کند، آن دسته از جرایمی که مهم و سنگین هستند در ایران قابل تعقیب و محاکمه باشند و پیش‌بینی امکان تعقیب اتباع بزهکار، حتی در جرایم سبک و غیرمهم ارتكاب‌یافته در خارج از کشور، نه تنها غیرضروری است، بلکه در مواردی می‌تواند با افزودن تورم کیفری از کارآیی محاکم بکاهد و شایسته است مقنن با تعیین ضابطه‌ای قلمرو این صلاحیت را به جرایم نسبتاً مهم محدود سازد و به این شکل باشد که ایرانیانی که در خارج از کشور مرتکب جرایم تعزیری ۱ تا ۵ می‌شوند، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم وی را دارند.^۲ زیرا در جرایم تعزیری که حکومت رأساً مقرر می‌کند اگر صلاح بداند، می‌تواند مرتکبان آن‌ها را مجازات کند، و از این نظر که این اعمال را حرام و ممنوع ساخته است، مجاز است که آنها را در صورتی که در دارالحرب رخ دهند، مباح بداند و مجازات نکند. معنای سخن فوق این است که کیفر دادن به همه جرایمی که در دارالحرب رخ می‌دهند، واجب نیست.^۳

۱. مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹.

۲. توجیهی، ۱۳۹۴: ۱۷.

۳. عوده، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۷۵.

۲.۴. تعزیرات منصوص شرعی

تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده باشد؛ بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده و نوع و مقدار آن معین نشده است، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود (نظریه مشورتی ۷/۱۰۱۹-۱۳۹۲/۶/۲). تعزیرات منصوص شرعی از این جهت که نوع و میزان مجازات از طرف شارع مشخص شده، شباهت زیادی به حدود دارند، اما تفاوت‌هایی هم دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱- در حدود نوع و میزان مجازات، به صورت ثابت تعیین شده است، اما در تعزیرات منصوص شرعی هر چند همچون حدود، نوع مجازات تعیین شده است، ولی در اغلب موارد میزان مجازات بین حداقل و حداکثر در حال نوسان است که قاضی در این محدوده در تعیین مجازات مناسب اختیار دارد. ۲- در اغلب جرایم حدی، مستند به ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی، اگر فردی سه بار مرتکب یک نوع جرم حدی مثلاً شرب خمر شود و هر بار حد بر او جاری شود، در بار چهارم کشته می‌شود، این در حالی است که در تعزیرات منصوص شرعی چنین حکمی مجرا نخواهد بود. ۳- برای جرایم تعزیر منصوص شرعی، فقط مجازات شلاق پیش‌بینی شده، اما در جرایم حدی علاوه بر مجازات شلاق، به مجازات‌های دیگر نظیر قطع عضو (ماده ۲۶۸)، صلب، تبعید و اعدام (ماده ۲۸۲) نیز اشاره شده است. ۴- یکی از شرایط اعمال مجازات حدود منوط به مکلف بودن شخص مرتکب است که این موضوع در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قانون‌گذار نیز قرار گرفته است، حال آن‌که در جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی، مصادیقی است که حکایت از قابلیت اعمال آن بر شخص غیرمکلف دارد، برای مثال می‌توان به جرم موضوع ماده ۲۵۳ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که اگر فرد نابالغ به دیگری نسبت زنا یا لواط دهد، تعزیر می‌شود.^۱ فقها نیز معتقدند تعزیرات منصوص شرعی در مورد جرایمی اعمال می‌شود که از طرف شارع اندازه عقوبت آن مشخص شده است که به آن تعزیرات مقدر نیز گفته می‌شود و لازم است طبق

۱. شاکری و شیرزادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۲

مضمون روایت در مورد مقدار تعزیر عمل شود و به نظر برخی از فقها در این مورد اختیارات حاکم محدود می‌شود.^۱

در فقه امامیه نیز مقدار برخی جرایم معین و مشخص است، مانند همبستری با همسر در حال حیض که مجازات آن ۲۵ ضربه شلاق است^۲ و مقدار برخی بین حداقل و حداکثر تعیین شده است. مانند خوابیدن دو مرد تحت ازار واحد که به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم می‌شوند.^۳ بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا. اگر جرم ارتكابی در خارج از کشور از جرایم تعزیری منصوص شرعی باشد، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی مجدد به جرم ارتكابی را خواهند داشت، هرچند که این شخص در خارج از کشور محاکمه شده و مجازات را نیز تحمل نموده باشد.

۵. جرایم ارتكابی ذمی‌ها در خارج از کشور

ذمی‌ها کسانی هستند با شرایطی در کشور اسلامی سکونت دائم دارند که از جمله آن شرایط، عدم تظاهر به منکرات و التزام به احکام اسلامی است.^۴ احکام اسلامی هم اعم از احکامی است که امروزه در قالب قوانین و آیین‌نامه‌هایی در کشور اسلامی اجرا می‌شود و احکامی که بین فقها از مسلمات اسلام شمرده شده و هر کدام از این احکام که منظور باشد، التزام به اجرای آنها لازم است.^۵ اما با توجه به حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، فقط افعال یا احکامی که در قانون جرم‌انگاری شده‌اند، قابل مجازات و کیفر هستند، مانند تظاهر به مصرف مسکر که ماده ۲۶۶ ق.م.ا. مقرر داشته: «غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود».

در خصوص این که اگر یک ذمی در دارالکفر مرتکب جرمی شود، سپس به دارالاسلام برگردد، آیا قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به آن شخص اعمال می‌شود یا خیر، نظرات مختلفی ارائه شده است که به طور مجزا به بیان هر یک می‌پردازیم:

۱. فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶، ج ۱۳: ۱۷۷؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۶۳: ۱۴۸

۲. کلینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۴۲

۳. حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۶۷

۴. موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۵۷

۵. شریعتی، ۱۳۸۱: ۲۴۱

۱. نسبت به ذمی‌ها، قاعدت منع مجازات مضاعف اعمال می‌شود و کشور اسلامی صلاحیت رسیدگی مجدد را نخواهد داشت. ابوحنیفه معتقد است با خروج از کشور، عقد ذمه باطل می‌شود و حاکم اسلامی هم در بلاد کفر مسئولیتی ندارد، «لا ید للامام فی بلاد الکفر» و اجرای مجازات نیز مشروط به وجود قدرت است، در صورتی که قدرت معدوم باشد، کیفر واجب نمی‌شود.^۱

مراغی در کتاب التشریح الاسلامی لغیر المسلمین در شرایط اجرای حد سرقت می‌گوید: جایی که در آن سرقت اتفاق افتاده دیار اسلام باشد و اگر در دیار کفر باشد، به خاطر عدم تسلط و قدرت، کیفری ندارد. حتی سرخسی پا را فراتر نهاده و معتقد است: اگر یک فرد مسلمان در خارج از سرزمین اسلامی جرمی را مرتکب شود و یا جرمی علیه او ارتکاب یابد، حکومت اسلامی وظیفه رسیدگی به این جرایم را ندارد؛ چون این جرایم در محلی که تحت حاکمیت اسلام نیست به وقوع پیوسته است.^۲

۲. اعمال قاعده منع مجازات همانند مجرمین مسلمان خواهد بود و با وجود شرایط مقرر، کشور اسلامی صلاحیت رسیدگی به جرم وی را خواهد داشت؛ مالکی، شافعی و احمدبن حنبل معتقدند هر جرمی که مسلمان یا ذمی در سرزمین غیراسلامی مرتکب شود، بر اساس قوانین اسلامی مجازات می‌شود^۳، زیرا با خروج از کشور عقد ذمه باطل نمی‌شود و به اقتضای عقد ذمه که به وی امان دائم داده است، جان و مالش محترم است و ملتزم به احکام اسلامی است و هر جرمی که ذمی در خارج از قلمرو دولت اسلامی مرتکب شود، به موجب مقررات جزایی اسلام، تعقیب و مجازات می‌شود هر چند مانند ربا که در محل وقوع جرم نباشد. اما اگر ذمی کشور اسلامی را به این قصد که دیگر باز نخواهد گشت، ترک کرده باشد و در دارالحرب مرتکب جرمی شود و مجدداً به کشور اسلامی بازگردد، مجازات نمی‌شود زیرا در اثر ترک کشور اسلامی وصف ذمی بودن را از دست می‌دهد و حربی می‌شود و چنین نیست که با حالت التزام به احکام اسلامی برگردد.^۴

۱. کمال‌الدین، بی‌تا، ج ۴: ۱۵۵؛ الکاسانی، ۱۹۸۶، ج ۷: ۱۹۵

۲. حمیدالله، ۱۳۷۳: ۲۲۰

۳. عوده، ۱۴۰۹: ۲۸۷

۴. شیرازی، بی‌تا: ۳۵۸

اما به نظر می‌رسد حق با کسانی باشد که معتقدند کشور اسلامی صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی افراد ذمی در خارج از قلمرو حکومت اسلامی را دارد، زیرا اولاً: در عقد ذمی خروج از کشور شرط نشده است، به‌ویژه اگر خود کشور به ذمی پاسپورت و مجوز خروج از کشور بدهد، دور از ذهن است که صلاحیت رسیدگی به جرایم وی را نداشته باشد و از طرفی، شخص ذمی نیز به مانند یک فرد مسلمان تحت حمایت سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های ایرانی است و از این طریق امتیاز دریافت می‌کند. به‌خصوص در نظام بین‌الملل که تابعیت مقدم است بر مذهب و اگر ذمی شخصیت ایرانی داشته باشد، در ابتدا وی را به عنوان یک ایرانی می‌شناسند نه ذمی.

ثانیاً: کافر ذمی با پیمان‌بستن، خود به ولایت عامه اسلامی گردن نهاده و هر جا که باشد، باید ملتزم به حفظ مقررات و ضوابط و ظواهر اسلامی باشد، عموم و کلیت ولایت اسلامی چنین حکم می‌کند که ذمی که در زیر چتر حمایت این ولایت قرار گرفته است در هر جا و مکانی، چه در کشور اسلامی چه در دارالحرب، مرتکب هر جرمی از جرایم شود، از نظر حقوق جزای اسلامی مسئول است و مستحق کیفر آن خواهد بود.^۱

ثالثاً: دلیل عدم قدرت نیز باطل است، زیرا کشور اسلامی نمی‌خواهد در دارالکفر مجرم را محاکمه نماید، مانند این که یک ذمی از کشور ایران به فرانسه مهاجرت کند و در آن کشور مرتکب جرمی شود، کشور ایران قصد محاکمه وی را در فرانسه ندارد، بلکه عقیده بر این است زمانی که به ایران برگشت، محاکمه شود. ماده ۷ ق.م.ا که به ارتکاب جرم ایرانیان در خارج از کشور دلالت دارد، بر این امر تأکید نموده و مقرر داشته «... در صورتی که در ایران دیده شود و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود».

۳. در مقابل دو نظریه مذکور، نظر سومی را می‌توان به این شکل ارائه داد که جرایم حق‌اللهمی و حق‌الناسی از یکدیگر تفکیک شود و اگر جرم ارتكابی ذمی در خارج از جرایم حق‌اللهمی محض باشد، کشور اسلامی صلاحیت رسیدگی ندارد، مانند شرب خمر و روابط نامشروع و اگر از جرایم حق‌الناسی و علیه حکومت باشد، کشور اسلامی صالح به رسیدگی باشد.

براساس مجازات‌های چهارگانه مقرر در ماده ۱۴ ق.م.ا، هر یک به طور تفکیک و جداگانه بررسی می‌شود.

۶. ارتكاب جرم حدی در خارج از کشور

ارتكاب جرایم حدی ذمی در خارج از کشور به چندین حالت دسته‌بندی می‌شود:

۱. با خروج از کشور موضوع جرم متفی می‌شود، مثل بغی و محاربه. در این صورت نیز کشور ایران صلاحیت رسیدگی ندارد، مگر این که عمل وی تحت عنوان اقدام علیه نظم و امنیت عمومی باشد و در محل وقوع نیز محاکمه و مجازات نشده باشد، که این عمل نیز تحت جرایم تعزیری قابل مجازات است.

۲. در خارج از کشور اسلامی جرم‌انگاری نشده است، مثل شرب خمر و زنا با تراضی طرفین. در این صورت دلیلی برای تعقیب و مجازات در کشور ایران وجود ندارد. مرحوم امام خمینی (ره) معتقد است: اگر اهل ذمه مرتکب چیزی شود که در شرعشان جایز است و در شرع اسلام جایز نیست، مادامی که متجاهر نباشند، به آنها اعتراضی نمی‌شود.^۱ بنابراین اگر اهل ذمه در خارج از کشور مرتکب شرب خمر شود، کشور ایران صلاحیت رسیدگی به جرم وی ندارد، چرا که این عمل اصلاً جرم نیست و غیرمسلمانان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود و آن هم ناظر به مواردی است که ذمی در کشور ایران، شرب خمر نمایند.

۳. در هر دو محل، جرم است، ولی در مجازات آن اختلاف وجود دارد، مانند تجاوز جنسی به عنف که در ایران، مجازات آن اعدام و در خارج، حبس است که اگر در خارج محکوم شده باشد و مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا شده باشد، در این صورت کشور ایران صلاحیت رسیدگی به جرم او را ندارد.

۴. در خارج از کشور و دارالکفر جرم نیست، مانند سب‌النبی (ص) و ائمه علیهم‌السلام. در این صورت نیز طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود، مشروط به این که در ایران باشد یا به ایران بازگردانده شود، البته اگر از جرایمی باشد که در آن مسلمان بودن شرط باشد، مانند قذف، موجبی برای رسیدگی در ایران وجود ندارد.

۱. موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۶۵

۷. ارتكاب جرایم مستوجب قصاص و دیه در خارج از کشور

در این قسمت به بررسی جرایم ارتكابی مستوجب قصاص و دیه ذمی در خارج کشور، می‌پردازیم:

۱. اگر قاتل، غیرمسلمان و مقتول، ایرانی مسلمان باشد، محکوم به کیفر قصاص می‌شود. در این رأی بین حقوقدانان اسلامی اختلافی نیست.^۱ تبصره ماده ۳۰۱ ق.م.ا نیز تصریح می‌کند «چنانچه مجنی علیه، مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب، مانع قصاص نیست». همچنین ماده ۳۱۰ ق.م.ا در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه غیرمسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستامن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است». بنا بر قول مشهور فقها، اگر ذمی، مسلمانی را عمداً بکشد، قاتل و مالش را به ورثه مقتول دهند، اگر خواستند او را به قصاص بکشند یا به بردگی بگیرند^۲ و اگر قاتل و مقتول هر دو غیرمسلمان اما ایرانی باشند، جانی قصاص می‌شود، هر چند آن‌ها پیرو دو دین مختلف باشند. زیرا براساس اصل شخصی بودن قوانین کیفری، هرگاه اتباع ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرمی شوند، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه می‌شوند و در قواعد الاحکام بیان شده، مرد ذمی با کشتن مرد ذمی و زن ذمی با مازاد دیه کشته می‌شود و کافر با کشتن کافر دیگر قصاص می‌شود، هر چند پیرو مذاهب مختلف باشد و همچنین ذمی با کشتن مستامن و بالعکس کشته می‌شود.^۳

۲. اگر مقتول، غیرایرانی و غیرمسلمان باشد: در این صورت نیز احکام ذمی، مستامن و معاهد جاری می‌شود و جمهوری اسلامی ایران صلاحیت رسیدگی به جرم وی دارد، چرا که در حقوق بین‌الملل تابعیت بر اعتقادات دینی مقدم است و یک شخص را در ابتدا به عنوان یک ایرانی می‌شناسند تا یک مسیحی یا یهودی.

۸. ارتكاب جرایم تعزیری در خارج از کشور

برای این امر لازم است تعزیرات منصوص شرعی و حکومتی از یکدیگر تفکیک شود و هر کدام به‌طور جداگانه بررسی شود. اگر جرم ارتكابی ذمی در خارج از کشور از تعزیرات منصوص شرعی

۱. صادقی، ۱۳۹۳: ۲۱۶

۲. حلی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۹۶؛ اصفهانی (مجلسی اول)، ۱۴۰۰: ۸۱

۳. حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۶۰۵

باشد، مانند تقبیل، بی‌حجابی و مانند آن ضرورتی در محاکمه و مجازات آنها در کشور ایران وجود ندارد. اما اگر جرم ارتكابی از تعزیرات حکومتی باشد، مانند جعل و استفاده از سند مجعول و غیره، قاعده منع مجازات مضاعف اعمال می‌شود و در صورت محاکمه و اجرای مجازات کلاً یا بعضاً در خارج از کشور، دلیلی برای محاکمه و مجازات مجدد در کشور ایران نخواهد داشت، اما در صورتی که شخص در خارج از کشور محاکمه نشده یا در صورت محاکمه، مجازات نشده باشد، کشور ایران صلاحیت رسیدگی به جرم وی را خواهد داشت، زیرا ارتكاب جرم موجب خدشه‌دار شدن حیثیت و اعتبار کشور در مجامع بین‌المللی می‌شود.

۹. رویه قضایی

دادگاه‌های جزایی ایران در جرایم حدی مانند زنا، لواط، شرب خمر و تعزیرات منصوص شرعی، به دلیل جریان قاعده فقهی «تدرء الحدود بالشبهات» و تاکید آموزه‌های دینی مبنی بر تَسْتُر و بزه‌پوشی در جرایم حدی، ورود پیدا نمی‌کنند؛ به‌ویژه در مواردی که شاکی خصوصی نیز در میان نباشد که این امر در تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری منعکس شده است.^۱ حتی در صورت وقوع این‌گونه جرایم در ایران، قانون‌گذار تمایلی به کشف ندارد و در صورت فقدان ادله اثباتی و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازرجویی را جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار، ممنوع می‌داند که در این زمینه بخشنامه‌ای نیز از سوی رئیس محترم قوه قضاییه به کلیه دادرهای عمومی و انقلاب و دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و دادگاه‌های بخش مبنی بر اصرار بر نگرفتن اعتراف در جرایم منافی عفت صادر شده است: نظر به این که در مورد نحوه و کیفیت تحقیق و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم در جرایمی نظیر زنا و لواط و دیگر اعمال منافی عفت از سوی مقامات قضایی و انتظامی استعلاماتی می‌شود، ارشاداً متذکر می‌گردد: به‌منظور رعایت موازین اسلامی و حفظ حیثیت و حرمت افراد و عفت عمومی در جرایم فوق‌الذکر، از طرح سوالات مربوط به نحوه و جزئیات عمل ارتكابی و حرکات متجاوز و مسائل خصوصی غیرضروری که تأثیری در کشف جرم ندارند و استفاده از روش جاری تحقیقات، خودداری شود. اصرار و

۱. تبصره ۱ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک: «در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت، هر گاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند».

کنجکاوای به نحوی که متهم را ناچار به اعتراف نماید، خصوصاً در مواردی که شاکای یا مدعی خصوصی وجود ندارد، ضروری نیست، مگر این که تسامح از این نظر در بعضی موارد، موجب کثرت فحشا و جریحه‌دارشدن عفت عمومی می‌گردد^۱.

دادگاه‌های ایران در جرایم مستوجب قصاص، همانند ارتکاب جرم در ایران، در صورت مطالبه ولی دم با احراز و رعایت شرایط قانونی، حکم قصاص صادر می‌کنند که در پرونده کلاسه ۹۴/۶۸۷، دادنامه صادره در تاریخ ۹۴/۱۱/۲۵ از دادگاه کیفری ۱ استان هرمزگان که آقای پ.م در کشور چین به اتهام قتل به ۵ سال حبس محکوم شده بود و پس از تحمل حبس و بازگشت به ایران، ولی دم با طرح شکایت، تقاضای پیگیری و قصاص قاتل را خواستار بودند و متهم در بازجویی نزد بازپرس ویژه قتل اقرار می‌کند که با شریک خود آقای ع.ا جهت وارد کردن اجناس برقی از جمله لپ‌تاپ و گوشی موبایل به کشور چین مهاجرت کردیم و در منزل برادر ناتنی‌ام آقای ا.م که مقیم کشور چین بود، اقامت کردیم و پس از خرید اجناس با مقتول به دلیل اختلاف مالی، درگیری پیدا کردیم و وی را با ضربات چاقو کشتم. رئیس و مستشار محترم شعبه اول دادگاه کیفری استان هرمزگان، محکوم‌علیه را به قصاص نفس محکوم کرده بود.

در دادگاه‌های ایران، در جرایمی که مستوجب پرداخت دیه باشد، تفاوتی بین وقوع جرم در ایران و خارج وجود ندارد و در صورت مطالبه مجنی‌علیه یا اولیاء دم، حکم به پرداخت دیه صادر می‌کنند که در پرونده کلاسه ۹۵/۳۴۲ در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ از دادگاه جزایی تهران، در خصوص اتهام آقای ع.ک دائر بر بی‌احتیاطی در امر رانندگی در کشور ترکیه منتهی به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی به آقای م.خ و همچنین منتهی به فوت خانم س.ا گردیده بود، دادرس محترم شعبه ۱۱۴۳ دادگاه کیفری تهران، حکم به پرداخت دیه داده و مقرر نموده بود محکوم‌علیه مکلف به پرداخت دیه در ظرف دو سال از تاریخ وقوع است و نصف دیه را در سال اول باید پرداخت نماید.

اما در جرایمی که مستوجب مجازات تعزیری باشد، قاعده منع مجازات مضاعف اجرا می‌شود و میزان تحمل حبس در خارج در دادنامه صادره در ایران لحاظ می‌شود و در پرونده کلاسه ۹۴/۵۸۷ که خانم ط.ک مبادرت به طرح شکایت در دادسرای تهران می‌نماید و اعلام می‌کند با

۱. پیشینه رویه قضایی ایران، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۰

همسر آقای م.ب جهت ادامه تحصیل به کشور آلمان سفر کردیم، ولی همسرم به دلیل اعتیاد به الکل ترک تحصیل نمود و با همدستی آقای ش.ر، ۱۲۱ گرم از طلاهای این‌جانب را سرقت کردند، هرچند در کشور آلمان شکایت نمودم و به حبس محکوم شدند، ولی پس از تحمل مقداری از حبس به ایران مهاجرت نمودند. رئیس محترم شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری تهران محکوم‌علیهم را به ۱۵ ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت در کشور آلمان و استرداد اموال مسروقه در صورت موجود بودن و قیمت آن در صورت تلف شدن، محکوم می‌کند.

نتیجه گیری

در خصوص اعمال قاعده منع مجازات مضاعف نسبت به جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور، باید به دو نکته مهم و اساسی توجه کرد:

نکته اول: عمل ارتكابی. در وهله اول باید فعلی که ایرانی در خارج مرتکب شده، بررسی شود که آیا آن فعل جرم است یا خیر و در صورت جرم بودن، جزء کدام یک از جرایم مقرر در قانون مجازات اسلامی است تا احکام متناسب با هر جرم را بر آن اعمال نمود، به طور مثال در حدود، قاعده منع مجازات مضاعف، دچار تغییر و تحولات اساسی است و برای اعمال این قاعده در جرایم حدی، مستلزم تفکیک و بررسی هر یک از جرایم حدی با توجه به نوع جرم و مجازات است، که به شرح ذیل دسته بندی می شود:

۱. برخی از جرایم حدی در خارج از کشور، فاقد بزه دیده است، مثل زنا با تراضی طرفین و شرب خمر.

۲. در برخی موارد جرم حدی تغییر ماهیت می دهد، مثل سرقت حدی یا قذف که در آن مسلمان بودن شرط است.

۳. در برخی از موارد جرایم حدی، مجازات خفیف تری دارد، مثل تجاوز به عنف.

۴. برخی از جرایم حدی در خارج جرم انگاری نشده است، مثل سب النبی و سب ائمه علیهم السلام.

برخلاف حدود، در قصاص و دیات، چندان تغییرات اساسی وجود ندارد و همان احکامی که در ایران جاری می شود، در خارج نیز جریان دارد و تنها وضعیت قاتل و مقتول از حیث اسلام بررسی می شود، مگر این که شخص با عناد از سرزمین اسلامی خارج شده و به دارالکفر پناهنده شده یا در صفوف جنگی دشمنان باشد که احکام متفاوتی جاری می شود. البته اگر جرم، از نوع حدی، قصاص یا تعزیرات منصوص شرعی باشد و کشور خارجی نیز کشور اسلامی باشد و با رعایت کلیه ضوابط شرعی محاکمه و مجازات شود، به دلیل این که جرم در هر دو کشور یک مجازات و مبنای واحد دارد، دوباره تعقیب و مجازات نمی شود.

در تعزیرات نیز با توجه به تفکیک تعزیرات به منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنانچه جرم ارتكابی در خارج از تعزیرات منصوص شرعی باشد، قاعده

منع مجازات مضاعف پذیرفته نمی‌شود و کشور ایران صلاحیت رسیدگی به جرم وی را دارد، مگر این‌که با رعایت کلیه ضوابط شرعی در کشور اسلامی مجازات شده باشد؛ اما اگر از تعزیرات حکومتی یا به تعبیر دیگر غیرمنصوص شرعی باشد، اگر در خارج از کشور محاکمه شده و تمام یا قسمتی از مجازات را تحمل کرده یا تبرئه شده باشد، قاعده منع مجازات مضاعف اعمال می‌شود و در کشور ایران دلیلی برای تعقیب و مجازات وی وجود ندارد، اما اگر در خارج محاکمه نشده و یا در صورت محاکمه، تبرئه نشده و مجازات درباره او اجرا نشده باشد، در صورتی که در ایران دلیلی برای منع یا موقوف تعقیب یا اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود.

نکته دوم: مسلمان یا غیرمسلمان بودن مجرم، حائز اهمیت است و احکام متفاوتی دارد، به طور مثال برخی از احکام اسلامی برای غیرمسلمانان در کشور اسلامی، تنها در صورت متجاهر بودن، جرم تلقی می‌شود، مثل شرب خمر یا ارتكاب برخی از جرایم حدی و منصوصات شرعی که حق‌الله محض هستند، در خارج از کشور توسط غیرمسلمان، موجبی برای تعقیب وی در ایران نخواهد داشت.

فهرست منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. اصفهانی (مجلسی اول)، محمدتقی (۱۴۰۰ ق). **یک دوره فقه کامل فارسی**، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه و انتشارات فراهانی.
۲. انصاری و همکاران (۱۳۸۶). **تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا**، چاپ دوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴). **آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، چاپ اول، انتشارات قوه قضاییه.
۴. پوربافرانی، حسن و بیگی حسن، فاطمه (۱۳۹۲). **اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی**، شماره اول، سال چهارم، پژوهش نامه حقوق کیفری.
۵. پرادل، زان، کورستنز، گئرت، فرملن، گرت (۱۳۹۳)، **حقوق کیفری شورای اروپا**، ترجمه محمد آشوری، تهران، نشر خرسندی، چاپ اول.
۶. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۹). **قواعد فقه جزایی**، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۵ ق). **السرائر**، چاپ پنجم، ج ۲، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۸). **تبصره المتعلمین**، ج ۱، چاپ اول، انتشارات فقیه.
۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). **قواعد الاحکام**، چاپ اول، ج ۳، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، چاپ پنجم، تهران، موسسه بعثت.
۱۱. حمید الله، محمد (۱۳۸۴) سلوک بین‌المللی اسلامی، مترجم محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۲. الراوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۱۵ ق). **فقه القرآن**، چاپ سوم، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی.
۱۳. رهامی، محسن، همکاران (۱۳۸۸). **جرایم بدون بزه دیده**، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۴. شاکری، ابوالحسن و شیرزادی‌فر، فرشاد (۱۳۹۳). **بررسی عدم پذیرش اعتبار احکام کیفری کشورهای خارجی در تعزیرات منصوص شرعی در حقوق ایران**، سال یازدهم، شماره ۳۸، فصل‌نامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳.

۱۵. الشریبى الخطیب، الشیخ محمد (بی تا). **مغنی المحتاج الی معرفه معانی المنهاج**، ج ۳، بیروت.
۱۶. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۲). **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۷. شریعتی، روح الله (۱۳۸۱). **حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی**، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۱۸. شیرازی، ابواسحاق (بی تا). **المهذب فی فقه مذهب الامام الشافعی**، قاهره، بی تا.
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۳). **التعزیر انواعه و ملحقاته**، چاپ سوم، قم، انتشارات جامع مدرسین.
۲۰. صادقی، هادی (۱۳۹۳). **جرایم علیه اشخاص**، چاپ هفتم، تهران، میزان.
۲۱. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۲۲ ق). **ریاض المسائل**، ج سیزدهم، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
۲۲. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۲۰ ق). **مسائل معاصره فی فقه القضاء**، بی تا، مکتب آیت الله العظمی السید الحکیم.
۲۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۱۱)، **مبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۸، چاپ ششم، قم، المکتب المرتضویه.
۲۴. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۱۰ ق). **خلاف**، ج ۲، چاپ چهاردهم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (بی تا). **النهایه**، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۶. العاملی مکی، شهید اول (۱۳۷۹). **غایه المراد فی شرح نکت الارشاد**، ج ۴، چاپ سوم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۷. عاملی، زین الدین (۱۴۰۶)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج سوم، داراحیاء التراث، بیروت.
۲۸. عاملی، زین الدین (۱۴۱۷) **مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام**، ج ۲، ج سوم، چاپ سنگی.

۲۹. عاملی حر، محمد (۱۳۸۸). **وسایل الشیعه**، ج ۱۷، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۳۰. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۵ ق.). **التشريع الجنایى الاسلامی**، ج اول، بیروت، موسسه الرساله، چاپ سیزدهم. ترجمه حسن فرهودی نیا، نشر یادآور، چ ۱، ۱۳۹۰.
۳۱. عمیدالدین عبدالمطلب ابن محمد الاعرج (۱۴۱۶ ق.). **کنزالفوائد فی حل مشکلات القواعد**، ج ۳، چاپ اول، قم، موسسه النشرالاسلامی.
۳۲. فاضل، مقداد (۱۳۷۳). **کنزالعرفان فی فقه القرآن**، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ ق.). **کشف اللثام**، ج دوم، چاپ سوم، قم، چاپ سنگی قدیم.
۳۴. فیض، علیرضا (۱۳۷۵). **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام**، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. قاضی ابن براج (۱۴۰۶ ق) **المهذب**، ج ۲، چاپ هفتم، قم، جامعه مدرسین.
۳۶. کاسانی، علاءالدین ابی بکر بن مسعود (۱۹۸۶ م). **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع**، ج ۷، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمی.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۵). **اصول کافی**، ج ۷، چاپ سوم، تهران، دارالکتب اسلامی.
۳۸. کمال الدین، محمد بن عبدالواحد (بی تا). **شرح فتح القدر**، ج ۴، بیروت، دارالکتب علمی.
۳۹. کسسه (۱۳۸۷). **حقوق کیفری بین المللی**. ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
۴۰. ماوردی، علی بن حبیب (بی تا)، **احکام السلطانیه**، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۴۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۸). **تحریر الوسیله**، ج ۴، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ نهم.
۴۲. مقدس اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۱۶). **مجمع الفائده و البرهان**، ج ۱۳، چاپ هشتم، انتشارات جامع المدرسین.
۴۳. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰ ق.). **المقنعه**، چاپ هفتم، قم، موسسه النشرالاسلامی.
۴۴. مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری (۱۳۸۲)، ج دوم، چاپ اول، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مرکز تحقیقات فقهی.

۴۵. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه (۱۳۹۶)، پیشینه رویه قضایی در ایران در ارتباط با قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، چاپ اول.
۴۶. نجفی، محمدبن حسن (۱۳۶۹). **جواهرالکلام**؛ ج ۴۱، چاپ دهم، تهران، دارالکتب اسلامی.
۴۷. وایر، دن دیو (۱۳۶۸). **رساله حقوق جنایی و قانونگذاری جزایی مقایسه**. ترجمه سیدعلی آزمایش، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

48. Convay, Gerard (2003), **ne bis in idem and the international criminal tribunals**, criminal law from vol14, pp.351-383.
49. Bado, attilu(2014), **fair trial and judicial independence Hun garian perspective**, springer international publishing, Switzerland.
50. Creyer, Robert, frinal, hakan , robishen Darryl and wilnshurst, elizabet(2010), **on introductction, to international criminal law and procedure second edition**, London Cambridge university press.
51. Jun, zhang, vhangzony, shan and youshui, miao(2003), **china's theory and practice on ne bis in idem**, international Review of penal, law, vol73, pp 865-87.

